

طرح کدبندی ابزارهای انسجام در زبان فارسی

زهره بهجو

پژوهشگاه علوم انسانی

شناخت عوامل انسجام در زبان فارسی هدفی است برای دست یافتن به تبیین روشن و دقیقی از زبان فارسی معیار امروز و گونه‌های آن. در این مقاله، ابتدا توضیح کوتاهی بر اساس نگرش هلیدی و حسن در کتاب انسجام در انگلیسی (۱۹۷۶) - درباره‌ی مفهوم‌های انسجام و رابطه‌های انسجامی، پیش‌انگاری و انواع آن، وصل‌های انسجامی و ابزارهای زبانی آن ارائه می‌دهیم. آنگاه، یکی از ابزارهای انسجام، یعنی ارجاع و گونه‌های آن را به طور کامل معرفی می‌کنیم. سپس، به روش و مراحل تجزیه و تحلیل متن اشاره می‌شود. در پایان، ابزارهای ارجاع به شکلی کدبندی شده برای بهره‌گیری عملی در تحلیل‌های کلامی عرضه می‌گردد.

درباره‌ی نثر فارسی و گونه‌های آن آرای فراوان ولی پراکنده‌یی وجود دارد که در عین حال، هیچ تبیین روشن و دقیقی از ابزارهای فنی سبک‌شناسی نثر فارسی به دست نمی‌دهد. با توجه به اینکه اکنون در مطالعات زبان‌شناختی متن بنیاد و بررسی‌های کلامی و سبکی پیکره‌های زبانی از شیوه‌های تجزیه و تحلیل دقیق فنی و آماری بهره می‌گیرند، در این مقاله کوشیده‌ایم تا به معرفی یکی از روش‌های پیشنهادی، بر اساس نگرش زبان‌شناختی هلیدی و حسن

(۱۹۷۶: ص ۳۳۲)، یعنی بررسی عوامل انسجام^۱ در زبان فارسی پیردازیم.^(۱) برای این منظور، ابتدا اشاره‌ی کوتاهی به مفهوم انسجام و عامل‌های آن می‌کنیم و آنگاه، طرح کدبندی ابزارهای انسجام زبان فارسی را در جدولی پایانی ارائه می‌دهیم.

انسجام

درباره‌ی انسجام توصیف‌های گوناگونی وجود دارد (– ویدوسن ۱۹۷۸: ص ص ۲۹، ۵۲؛ براون و یول ۱۹۸۳: ص ۲۴). نقش انسجام در واقع، برقراری رابطه بین دو قسمت از متن و تداوم بخشیدن به آن است تا بدین وسیله، خواننده یا شنونده عناصر ناموجود در متن را که برای تعبیر آن ضروری هستند دریابد. به عبارت دیگر، انسجام بر رابطه‌های معنایی بینامتنی‌یی دلالت دارد که در فهم متن دخالت دارند (هلیدی و حسن ۱۹۷۶: ص ۲۹۹).

رابطه‌ی انسجامی^۲

رابطه‌ی انسجامی رابطه‌ی معنایی در نظام واژگی – دستوری^(۲) زبان است. بدین معنی که بخشی از انسجام از رهگذر دستور و بخشی دیگر از رهگذر واژگان تحقق می‌پذیرد. بر این اساس، دو گونه انسجام وجود دارد: انسجام دستوری^۳ و انسجام واژگانی^۴ (هلیدی و حسن ۱۹۷۶: ص ص ۵-۶).

الف – انسجام دستوری: انسجام دستوری به رابطه‌های دستوری جمله‌های متن

1. cohesion factors

3. grammatical cohesion

2. cohesive relation

4. lexical cohesion

مربوط می‌شود. این نوع انسجام شامل انتخاب‌های ساده (مبتنی بر بود و نبود^۱) و نظام‌های بسته^(۳) (مانند شخص و شمار)^۲ می‌شود.
مثال (۱):

پدرم کربلایی حسن یکی از دلاکان مشهور شهر اصفهان بود. در هفده سالگی دختر شخص شتاعی از همسایگان دکان خود را عقد کرد. اما زناشویش مبارک نشد.

(میرزا حبیب: حاجی بابا)

در مثال بالا، ضمیر *ش* به واسطه‌ی داشتن نقش ارجاعی نسبت به اسم کربلایی حسن (مرجع خود) بین جمله‌ها پیوند و در متن، انسجام برقرار کرده است.
ب - انسجام واژگانی: انسجام واژگانی به رابطه‌های واژگانی واژه‌های متن مربوط می‌شود؛ یعنی شامل نوعی انتخاب نامحدود می‌گردد، مانند انتخاب واحدی واژگانی که به نحوی با واحد واژگانی پیش از خود مرتبط است.
مثال (۲):

- اجناس امتعه در عالم تجارت از همدیگر فرق ندارند. فرق در مبلغ امتعه است.

(ملک‌خان: کلیات)

در مثال بالا، تکرار واژه‌ی امتعه در متن، سبب پیوند جمله‌ها به یکدیگر و انسجام متن گردیده است.

پیش‌انگاری^۳

پیش‌انگاری، شرایطی لازم برای درک سخن است و با به دست آوردن اطلاعات از طریق ارجاع حاصل می‌شود.

۱. ارجاع، بازیافتن معنای اطلاعاتی یک عنصر کلامی / متنی (با ویژگی ارجاعی) است از عنصری دیگر. این عناصر دوگانه را در پیش‌انگاری (ارجاع)، به عنوان عنصر یا واحد پیش‌انگاشته^۱ (مرجع) و عنصر یا واحد پیش‌انگارنده^۲ (ارجاع‌دهنده) نام می‌برند.

۲. پیش‌انگاشته (مرجع)، عنصری متنی است که معنای آن انعکاس معنای خودش می‌باشد.

۳. پیش‌انگارنده (ارجاع‌دهنده)، عنصری متنی است که معنای آن انعکاس معنای عنصر متنی دیگری است که به آن ارجاع می‌دهد.

انواع پیش‌انگاری: در پیش‌انگاری، بر حسب اینکه عنصر پیش‌انگاشته درون متن (نوشتاری یا گفتاری) باشد یا بیرون از چارچوب آن، دو نوع ارجاع داده می‌شود:

الف - ارجاع درون‌متنی (درون‌مرجع)^۳، ارجاع دادن یک عنصر متنی (پیش-انگارنده) به عنصر متنی دیگر (پیش‌انگاشته) است. این رابطه، بر حسب اینکه عنصر پیش‌انگاشته، قبل از عنصر پیش‌انگارنده باشد یا بعد از آن، بر دو گونه است:

۱. ارجاع پس‌رو (پیش‌مرجع)^۴، در این رابطه عنصر پیش‌انگاشته یا مرجع، پیش از عنصر پیش‌انگارنده (ارجاع‌دهنده) قرار دارد.
مثال (۳):

- پسر من احمد هفت سال دارد. روز شنبه، اول ماه ذیحجه متولد شده، طفل با ادب و بازی دوست و مهربان است.

(طالوف: کتاب احمد)

-
1. presupposed 2. presupposing 3. endophoric
4. anaphora (anaphoric)

طرح کدبندی ابزارهای انسجام در زبان فارسی ۱۹۳

۲. ارجاع پیش‌رو (پس‌مرجع)^۱، در این رابطه عنصر پیش‌انگاشته، بعد از عنصر پیش‌انگارنده قرار دارد.
مثال (۴):

– دگرگونی‌های شدید سیاست امپراتوری، پس از قیام دسامبرست‌ها در ۱۸۲۵، ظاهراً کار خود را کرده بود. توفان‌های ادبی، مانند ماجرای چاداثوف در ۱۸۳۶؛ بحث‌های آزاد دانشجویی، که هر تن و دوستانش را به جرم آنها مجازات کردند؛ و حتی اغتشاش‌های مختصر دهقانان در اوایل دهه‌ی چهل در ایالات دور افتاده به آسانی سرکوب شدند.

(دریابندری: منفکران دوس)

ب – ارجاع برون‌متنی (برون‌مرجع)^۲، ارجاع دادن یک عنصر متنی به عنصری دیگر در خارج از متن است که به بافت موقعیتی کلام مربوط می‌شود.
مثال (۵):

– به آن نگاه کن. (آن: خورشید)

به طور کلی، انسجام، پیش‌انگاری چیزی است که قبلاً در سخن آمده است، خواه در یک جمله ماقبل و خواه در چندین جمله (پاراگراف، فصل، یا ...). ماقبل. بر این اساس، ارجاع‌های درون‌متنی پیش‌رو و پس‌رو انسجامی هستند و ارجاع‌های برون‌متنی، غیر انسجامی (براون و یول ۱۹۸۳: ص ۱۹۳).

وصل‌های انسجامی

رابطه‌ی انسجامی بین دو واحد کلامی / متنی را وصل می‌گویند. در واقع، وصل موجب انسجام متن می‌شود و به طور معمول، در هر پاره‌متن چندین وصل وجود دارد که به لحاظ انسجامی، شکل‌های متفاوتی دارند. در مطالعات زبانی، اهمیت بررسی این‌گونه روابط بین جمله‌یی و بینامتنی، در تشخیص

1. cataphora (cataphoric)

2. exophoric

تفاوت‌های کلامی و به‌ویژه انواع سبک‌های ادبی (در آثار نویسندگان) است (هلیدی و حسن ۱۹۷۶: صص ۳-۴).

انواع وصل‌های انسجامی بر اساس نمود صوری: به لحاظ صوری، وصل‌های انسجامی در پنج گروه ظاهر می‌شوند: ارجاع^۱، جایگزینی^۲، حذف^۳، ربط^۴، انسجام واژگانی^۵.

از بین این وصل‌های پنجگانه، ارجاع و جایگزینی و حذف، انسجام دستوری هستند؛ انسجام واژگانی جنبه‌ی قاموسی دارد؛ و ربط، رابطه‌ی مابین انسجام دستوری و انسجام واژگانی است که البته بیش‌تر جنبه‌ی دستوری دارد.

انواع وصل‌های انسجامی بر اساس نمود معنایی: به لحاظ ماهیت و وابستگی‌های معنایی، وصل‌های انسجامی در سه گروه قرار می‌گیرند: وابستگی صوری^۶ (جایگزینی، حذف و باهم‌آیی واژگانی^۷)؛ وابستگی ارجاعی^۸ (ارجاع و تکرار واژگانی^۹)؛ پیوستگی معنایی^{۱۰} (ربط).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی ابزارهای زبانی انسجام

در هر زبانی، به‌جز رابطه‌های معنایی بین زبان (صورت‌های زبانی) و جهان بیرون (بافت موقعیتی)، ابزارهایی زبانی وجود دارد که سخنگو با کاربرد آنها به کلام خود انسجام می‌بخشد. یکی از این ابزارها در زبان فارسی - با توجه به

1. reference

2. substitution

3. ellipsis

4. conjunction

5. lexical cohesion

6. relatedness of form

7. collocation

8. relatedness of reference

9. reiteration

10. semantic connection

آرای هلیدی و حسن - ارجاع است

ارجاع

پیوستگی درون‌مرجمی عنصری زبانی به عنصر زبانی دیگر در متن است. به طور معمول، عنصر ارجاع‌دهنده به لحاظ صورت و نقش با عنصر مرجع تفاوت دارد و در واقع، ارجاع‌دهنده راهنمایی است برای یافتن اطلاع از جایی دیگر که مرجع می‌باشد. ارجاع بر سه گونه است: ارجاع ضمیری (شخصی)، ارجاع اشاره‌یی و ارجاع مقایسه‌یی.

الف - ارجاع ضمیری^۱: از طریق نقش دستوری مقوله‌ی شخص صورت می‌گیرد و نمودی سه‌گانه دارد، شامل: ضمیرهای شخصی (جدا)، ضمیرهای پسوندی^۲ (پیوسته) و پایانه‌های شخصی (پیوسته)^۳.
توضیح:

۱. یادآوری می‌شود که چون در فارسی ضمیر شخصی عام وجود ندارد، برای این مفهوم از واژه‌های قاموسی استفاده می‌شود، مانند: آدم، انسان، بشر.
۲. از آنجا که پایانه‌های شخصی به طور ضمنی به فاعل‌های دستوری فعل اشاره دارند، ممکن است در ارجاع به عنوان فاعل‌های ضمنی به کار بروند (و نقش ارجاع‌دهنده / پیش‌انگارنده داشته باشند).
۳. در دستگاه‌های سه‌گانه‌ی نظام ارجاع شخصی، صورت‌های اول شخص (گوینده: من، ما) و دوم شخص (مخاطب: تو، شما) برون‌مرجع هستند و

1. pronominal reference
3. personal endings

2. suffixed pronouns

بنا بر این، ویژگی انسجامی ندارند؛ ولی در نقل قول، درون مرجع و انسجامی می شوند.

مثال (۶):

(غیر انسجامی)

— من در این کتابچه، آنچه تا روز رفتن او به مکتب از وی دیده و خواهم شنید، همه را [به] ترتیب خواهم نوشت.

(طالبوف: کتاب احمد)

(انسجامی)

بلبل خوش الحان نطق و بیان حاجی بابای اصفهانی ... چنین می سراید که، پدرم کربلایی حسن یکی از دلاک های معروف اصفهان بود.

(میرزا اسداله: حاجی بابا)

۴. صورت های سوم شخص، به طور معمول درون مرجع و انسجامی هستند. با این همه، گاه ممکن است برون مرجع و غیرانسجامی شوند که تشخیص آن از طریق بافت موقعیت میسر خواهد بود.

مثال (۷):

الف: آخ، او تا حالا اینجا بود؟

ب: بله، او پنج دقیقه پیش رفت.

۵. ضمیر عام به دلیل کاربرد عام آن، برون مرجع و غیرانسجامی است: یکی، کسی، آدم، شخص، انسان، بشر، هر کس، هیچ کس.

۶. ضمیرهای ملکی (پسوندی) چون نقش هسته‌ی گروه اسمی را بر عهده دارند، برای تعبیر آنها به دو مرجع نیاز هست.

مثال (۸):

— ممکن است یک نقشه به ماری بدهید؟ مال او گم شده است.

در مثال بالا، ضمیر ملکی مال او از طریق ارجاع به ماری و از طریق جایگزینی به نقشه دلالت دارد.

ب- ارجاع اشاره‌یی^۱: در ارجاع اشاره‌یی، عنصر ارجاع‌دهنده، کلمات اشاری‌اند که (با گرفتن بخشی از معنای خود از بافت موقعیتی، یعنی زمان یا مکان وقوع پاره گفتار، و یا اشخاص و اشیای موجود در آن) به مرجعی خاص اشاره می‌کنند. اشاره‌یی‌ها نیز مانند شخصی‌ها، در درجه‌ی اول ارجاع برون‌مرجع به چیزی در بافت موقعیتی دارند؛ اما نقش دوم آنها ارجاع درون‌مرجع به عناصری در متن است. در فارسی واحدهای اشاری دوگونه‌اند: اشاره‌یی‌های ساده و اشاره‌یی‌های مرکب. صورت‌های مرکب اغلب متشکل‌اند از: یک اشاره‌یی ساده + یک سازه‌ی دیگر (که معمولاً مفهومی عام در اشاره به مکان، زمان، چگونگی، کیفیت یا کمیت دارد).

مثال (۹):

– در آغاز امر، همه‌ی تخمه‌ها و مواد مختلفه در هم و آمیخته بوده و تمایز نداشته‌اند. عقل جهان آنها را از یکدیگر جدا کرده و به نظم و ترتیب درآورده. (فردوسی: سیر حکمت)

۱. اشاره‌یی‌های مفرد و جمع: اشاره‌یی‌های مفرد (این، آن)، با نقش «هسته»^۲ و یا «تعریف‌کننده»^۳، در تعریف اسم‌های مفرد و جمع همواره پیش از اسم به کار می‌روند. اگر نقش تعریف‌کننده داشته باشند، بدون محدودیت، به هر طبقه‌ی اسمی (انسان یا غیرانسان، جان‌دار یا بی‌جان) ارجاع می‌دهند. و اگر نقش هسته داشته باشند، اغلب برای ارجاع به اسم‌های غیرانسان به کار می‌روند. اسم‌های

انسان معمولاً با واحدهای ارجاع شخصی مورد ارجاع واقع می‌شوند یا با کاربرد کلمه‌های عام (مانند شخص و آدم) به عنوان یک واحد ارجاعی. این اشاره‌ی‌ها، گاه در مفهوم «اخیر»^۱ (معمولاً این) و «قبلی»^۲ (معمولاً آن) نیز به طبقه‌های اسم ارجاع می‌یابند. (البته آن به عنوان ضمیر شخصی – برابر it در انگلیسی – نیز کاربرد دارد و در این صورت، جزو نظام ارجاع شخصی است) (باطنی ۱۳۵۴: ص ۱۵۴).

مثال (۱۰):

– یک ملک از معادن خود سالی صد کرور تومان طلا حاصل می‌کند، ملک دیگر سالی دویست کرور تومان گندم به خارج می‌فروشد؛ بدیهی است که این دو مقابل غنی‌تر از آن خواهد بود.

(ملکم خان: کلیات)

– اشاره‌ی‌های جمع (اینها، آنها، اینان، آنان)، همه در نقش «هسته» به کار می‌روند. اینان و آنان اغلب در ارجاع به اسم‌های جان‌دار، به ویژه انسان کاربرد دارند و اینها و آنها به طور دلخواه برای اسم‌های جان‌دار یا بی‌جان. گاه (به خصوص در محاوره) به جای آنها از ضمیر شخصی ایشان، به عنوان واحد ارجاع شخصی، استفاده می‌شود (باطنی ۱۳۵۴: ص ۱۵۴).

– اشاره‌ی‌های همین و همان، ممکن است به عنوان هسته و یا تعریف‌کننده ایفای نقش کنند. صورت‌های جمع این کلمه‌ها (همین‌ها، همان‌ها) فقط در نقش هسته ظاهر می‌شوند. همین و همان، در نقش هسته، کم‌تر برای ارجاع به اسم‌های جان‌دار به کار می‌روند؛ ولی صورت جمع آنها به طور دلخواه برای ارجاع به اسم‌های انسان و غیرانسان کاربرد دارد. از آنجاکه این اشاره‌ی‌ها بر

1. latter

2. former

«همسانی»^۱ یا «یکسانی»^۲ دو چیز دلالت دارند، ممکن است به عنوان واحدهای ارجاع مقایسه‌یی تلقی شوند.

— اشاره‌یی‌های چنین و چنان، ممکن است در نقش هسته و یا تعریف‌کننده به کار روند. در نقش هسته، اغلب به عنوان متمم فعل‌هایی مانند: بودن، شدن و کردن به کار می‌روند. به جز ارجاع اشاره‌یی به عنصری در متن، این کلمه‌ها چون مفهوم «همانندی»^۳ بین دو چیز را می‌رسانند، به عنوان واحدهای ارجاع مقایسه‌یی نیز تلقی می‌شوند.

۲. اشاره‌یی‌های معرفه (/e/ و /-φ/): نشانه‌ی معرفه^۴ در اسم^(۴) می‌تواند نقش انسجامی داشته باشد. /-φ/ به عنوان اشاره‌یی خنثی^۵ (از نظر «دوری»^۶ یا «نزدیکی»^۷) نیز واحد ارجاعی تلقی می‌شود.
مثال (۱۱):

— کتاب رسید. (کتاب معین) /ketāb-φ resid/

— چون $\frac{\text{کاروان}}{\text{/kār-vān-φ/}}$ حاضر شد، عبارت بود از دوست نفر شتر و پانصد اسب و استر، همه از امتعه‌ی عراق گرانبار.

(میرزا حبیب: حاجی بابا)

گاه، به خصوص در محاوره، معین یا اخص بودن یک اسم با پسوند /e/ مشخص می‌گردد که مانند /-φ/ خنثی است. در این حالت، ممکن است یک اشاره‌یی، مانند این، همین یا همان نیز همراه اسم بیاید.
مثال (۱۲):

پسره /pesar-e/

همین پسره /hamin pesar-e/

1. identity

2. sameness

3. likeness

4. definite marker

5. neutral demonstrative

6. farness

7. nearness

توضیح: معرفه در فارسی دارای صورت‌های گوناگون (ـه صادقی و ارزنگ ۱۳۶۳: صص ۲۲-۲۳) و در نتیجه، رابطه‌های انسجامی متفاوت و مستلزم بررسی گسترده‌تر است.

۳. اشاره‌ی‌های مکانی-زمانی (اینجا، آنجا، اکنون، الان، آن‌گاه، آن‌زمان،...): این واحدها به محل یک فرایند در زمان یا مکان ارجاع می‌یابند. قیده‌های اشاره‌ی (اینجا، آنجا) ممکن است به طور انسجامی به محل فرایندی در مکان ارجاع یابند.
مثال (۱۳):

— در هر جا چند روزی بمان و وضع معیشت و زندگانی تمامی سکنه‌ی آن ملک را به دقت رسیدگی کن... تا بدانی که از ممالک خارجه به آنجا چه متاع و محصولات می‌رسد.

(مراغه‌ای: سیاحتنامه)

— اشاره‌ی اینجا، به عنوان واحدی انسجامی ممکن است در مفهوم «از این / آن نظر» به قطعه‌ی بزرگی از یک متن ارجاع یابد.
مثال (۱۴):

می‌خواهی از درس خواندن هم دست بکشی؟

ولی اینجا دیگر داری اشتباه می‌کنی.

— اشاره‌ی‌های اکنون، الان، حالا، به محل فرایندی در زمان ارجاع می‌یابند. به عنوان ابزاری انسجامی، این واحدها با مفهوم «در این مرحله از کار» و گاه همراه با کلمه‌ی دیگر به کار می‌روند و نیز ممکن است که خود واحد اشاره‌ی حذف شود و فقط کلمه‌ی دیگر این معنی را برساند. اشاره‌ی‌های آن‌گاه و آن‌وقت نیز کاربردی به همین نحو دارند.

مثال (۱۵):

— حالا باید نشأه ابراهیم بیک را تماشا نمود. از فرط شادی گلوگیر شده...

(مراغه‌ای: سیاحتنامه)

— اشاره‌یی‌های آن‌وقت و آن‌روزگار، گاه‌نشانه‌ی جمع -ها می‌گیرند و به محل فرایندی در زمان ارجاع پیش‌مرجع می‌یابند (بعضی از اشاره‌یی‌ها گاه در نقش حرف ربط^۱ نیز به کار می‌روند که در این صورت، از ابزارهای انسجامی ربط هستند). مثال (۱۶):

— این مرد از دیاری که دیده و گردیده بود چندان با آب و تاب توصیف‌ها و تعریف‌ها نمود که در من به‌شدت هرچه تمام‌تر آرزوی سفر پدید آمد. هم در آن روزها او را سفری در پیش آمد....

(میرزا حبیب: حاجی بابا)

۴. اشاره‌یی پس‌مرجع غیر انسجامی (ساختاری)^۲، بعضی از اشاره‌یی‌های گفته‌شده (این، آن، چنین، چنان) گاه در بافت جمله به بخش بزرگی از همان جمله ارجاع می‌دهند و در این صورت، دیگر واحد انسجام کلامی تلقی نمی‌شوند. مثال (۱۷):

— راه تمول یک ملک منحصر به این است که زیاد کار بکنند و زیاد اقمعه به عمل بیاورند و زیاد داد و ستد نمایند.

(ملکم خان: کلیات)

۵. اشاره‌یی گسترده^۳، برخی از اشاره‌یی‌های بالا ممکن است به طور انسجامی در ارجاع به پاره‌یی طولانی (بند / بندهایی) از یک متن (به عنوان یک واقعیت و یک گزارش) به کار روند. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: این، اینها، همین، همین‌ها، چنین، همچنین، چنان، همچنان، اینجا. این و اینها گاه در بافت همه واقع می‌شود، مانند: این همه، اینها همه، همه‌ی اینها. ضمیر پسوندی یا متصل‌شش /-aš/ (یا -eš- و یا -s/) نیز ممکن است به پاره‌یی طولانی ارجاع دهد. مثال (۱۸):

— ... طلا و نقره و الماس و ذغال سنگ در عالم تجارت هیچ فرق ندارند، این فقره

1. conjunctive adjunct

2. structural cataphora

3. extended reference

یکی از آن حقیقت است. رفع این اشتباهات ممکن نیست مگر به مدارس.

(ملکم خان: کلیات)

– معانی این اصول را خیلی خوب می‌توان بیان کرد، اما... همه را باید در مدرسه یاد گرفت.

(ملکم خان: کلیات)

چنان‌که از مثال‌های بالا برمی‌آید، برخی از این واحدهای اشاره‌یی در ارجاع انسجامی به پاره‌ی بزرگی از یک متن، معمولاً در نقش متمم فعل‌هایی مانند: بودن، کردن، شدن و محققن به کار می‌روند.

– انواع دیگر ارجاع گسترده، در ارجاع گسترده ممکن است از ترکیب یک واحد اشاره‌یی (این، آن، همین، همان، چنین، φ-) و یک کلمه‌ی واژگانی استفاده شود. کلمه‌ی واژگانی^۱ می‌تواند کلمه‌ی عام^۲ (کار، چیز) یا کلمه‌ی نسبتاً عام^۳ (واقعه، سخن) و یا کلمه‌ی دال بر «رفتار»^۴ یا «نوع»^۵ (گونه، طور، جور) باشد. این ترکیب‌ها معمولاً در نقش تعریف‌کننده یا متمم فعل‌های بودن، شدن و محققن به کار می‌روند.

مثال (۱۹):

– به قدر پنجاه نفر هم از زوار امام رضا به ما افزودند و در حقیقت، کاروان ما از رنگ و روی اهل زیارت، رنگ و بوی تبری و طهارت پیدا کرد... در این گونه حالات پراق کردن از واجبات است.

(میرزا حبیب: حاجی با.)

پ – ارجاع مقایسه‌یی^۶: ارجاع مقایسه‌یی ارجاعی غیرمستقیم از طریق بیان همسانی و همانندی است، بدین معنا که عنصر ارجاع‌دهنده از رهگذر سنجش و مقایسه با عنصر دیگری که به آن ارجاع می‌یابد، به لحاظ همانندی، شباهت

1. lexical word

2. general word

3. less general

4. manner

5. type

6. comparative reference

و یا تفاوت نسبت به آن عنصر، شناخته می‌شود. این مقایسه یا جنبه‌ی عام دارد و یا جنبه‌ی خاص. در مقایسه‌ی عام توجهی به ویژگی‌های خاص نمی‌شود، ولی در مقایسه‌ی خاص به کمیت و کیفیت نیز توجه می‌شود. واحدهای ارجاع مقایسه‌ی در زبان فارسی اندک و برخی از آنها عبارت‌اند از: دیگر، اخیر، آخرین، همچه، همچی، همچو (در محاوره)، بهتر و بیشتر (برای قیدها و صفت‌ها).

واحدهایی مانند: مشابه و همانند جزو ارجاع مقایسه‌ی نیستند، بلکه در ردیف واحدهایی مثل عین و مانند هستند. این واحدها به تنهایی توان ارجاعی ندارند و معمولاً در بافت یک واحد ارجاع اشاره‌ی (مشابه این، مانند این) وقوع می‌یابند. ارجاع مقایسه‌ی در فارسی معمولاً با یک واحد اشاره‌ی مرکب انجام می‌شود.

مثال (۲۰):

— در هفده سالگی دختر شخص شتاعی از همسایگان دکان خود را عقد کرد.
اما زناشویش مبارک نشد... در سایه‌ی چیره‌دستی و شهرت خود... توانست
دستگاه خود را وسعتی دهد، یعنی زنی دیگر گیرد.

(میرزا حبیب: حاجی بابا)

— یک ملک از معادن خود سالی صد کرور تومان طلا حاصل می‌کند، ملک دیگر
سالی دویست کرور تومان گندم به خارج می‌فروشد. بدیهی است که این ملک
آخری دو مقابل غنی تر از ملک اولی خواهد بود.

(ملکم خان: کلیات)

روش و مراحل تجزیه و تحلیل متن

۱. واج‌نویسی متن: در بررسی میزان انسجام یک متن، به منظور تشخیص دقیق عناصر زبانی، ابتدا متن واج‌نویسی و یک‌یک جمله‌های آن شماره‌گذاری

می‌شود. در شماره‌بندی جمله‌های متن، باید توجه داشت که چون نقطه‌ی پایانی جمله، ملاک درست و مطمئن نیست، همچنین در برخی متن‌ها اساساً نقطه‌گذاری وجود ندارد، تعیین پایان جمله با توجه به ملاک‌های دستوری انجام و همان‌جا شماره‌ی جمله نوشته می‌شود.

۲. تهیه‌ی جدول مشخصات انسجامی: در این جدول، شماره‌ی هر جمله، تعداد وصل‌های مربوط به هر جمله، واحد انسجامی، نوع انسجام، فاصله از مرجع، جهت و واحد پیش‌انگاشته درج می‌شود.

۳. تعیین و شمارش وصل‌ها: پس از شماره‌گذاری جمله‌ها، وصل‌های هر جمله مشخص و شمارش می‌شود.

۴. تعیین نوع اصلی و فرعی هر وصل: بعد از مشخص شدن وصل‌ها، انواع اصلی و فرعی آنها را بر اساس جدول کدبندی ابزارهای انسجامی در زبان فارسی تعیین می‌کنیم.

۵. تعیین مرجع (واحد پیش‌انگاشته)، فاصله و تعداد جمله‌های واسطه و جمله‌های غیرواسطه: ابتدا مرجع هر وصل شناسایی و آنگاه، تعداد جمله‌های واسطه و جمله‌های غیرواسطه بین عنصر زبانی مرجع و عنصر زبانی ارجاع‌دهنده شمارش می‌شود.

۶. تعیین جهت: وضعیت ارجاع‌ها به لحاظ پس‌رو و پیش‌رو بودن مشخص می‌شود.

۷. محاسبه‌ی میزان فشردگی: پس از مشخص شدن انواع وصل‌های انسجامی و تعداد هر کدام از آنها، میزان فشردگی متن محاسبه می‌شود. برای این منظور، نسبت تعداد کل وصل‌های انسجامی متن را به تعداد کل جمله‌های آن محاسبه می‌کنیم.

۸. تهیه‌ی جدول آماری: بعد از انجام محاسبات لازم، جدولی تهیه و در آن تعداد جمله‌های متن، تعداد هر یک از وصل‌های انسجامی، میزان فشردگی متن، فاصله و جهت (پیش‌رو/ پس‌رو) درج می‌شود.

۹. تعیین ویژگی انسجامی متن: سرانجام بر اساس جدول آماری تهیه شده، وضعیت متن مورد نظر به لحاظ انسجامی سنجیده می‌شود. این سنجش مبتنی بر مقادیر زیر خواهد بود:

۱. مقدار درصد کاربرد هر مورد نسبت به کل آن (مواردی که تا ۰.۵ ر.ه اختلاف داشته باشند، به عنوان درصدهای نسبتاً برابر فرض می‌شود).

۲. میانگین کل

۳. تعداد کل

۱۰. تعیین گونه‌ی سبکی نویسنده‌ی متن: با مقایسه‌ی ویژگی‌های انسجامی (و احتمالاً ویژگی‌های دیگر) متون با یکدیگر، می‌توان گونه‌های سبکی را شناسایی و گونه‌ی سبکی هر متن یا نویسنده‌ی را بر اساس آن مشخص کرد.

جدول کدبندی ابزارهای انسجام در زبان فارسی

کد				نوع انسجام
ار				ارجاع
	۱			الف. ضمیری
		۱۱		۱. ضمیرهای شخصی / ملکی (جدا)
			۱	۱- مفرد (انسان): او (اون)، وی [ایشان (ایشون)]
			۲	۲- مفرد (غیرانسان): آن (اون)
			۳	۳- جمع:
			۱	الف - انسان: آنها / آن‌ها (اونا)، آنان، این‌ها، اینان، ایشان (ایشون)
			۲	ب - غیرانسان: آنها / آن‌ها (اونا)
				۱ (۱-۳) با نقش: (۱) هته
		۶		(ب) اشاری
		۷		۲. ضمیرهای پوندی (پیوسته)
			۱	۱- مفرد (انسان): ش (ـِ ش) [شان (ـِ شون)]
			۲	۲- مفرد (غیرانسان): (ـِ / شـِ ش)
			۳	۳- جمع: شان (ـِ شون)
				۲ (۱-۳) با نقش: (۱) هته
		۶		(ب) اشاری
			۷	

طرح کدبندی ابزارهای انسجام در زبان فارسی ۲۰۷

		۱۳		۳. پایانه‌های شخصی (عناصر صرفی)
			۱	۱- مفرد: ـے (ـِ، ـِ) ، ـِـ
			۲	۲- جمع: ـےند / اند (ـن)
		۲		ب. اشاره‌یی (معین)
		۲۱		۱. ساده
			۱	۱- نزدیک: این، اینها / این‌ها (اینا) [اینان]، حالا، اکنون، الان
			۲	۲- دور: آن (اون)، آنها / آن‌ها (اونا) [آنان]
			۳	۳- معرفه: ـِ، ـِـ
			۶	۱ (۱-۳) با نقش: (۱) اسمی، هسته یا اشاری: این، اینها / این‌ها (اینا) [اینان]، آن (اون)، آنها / آن‌ها (اونا) [آنان] ،ـِ، ـِـ
			۷	(ب) قید زمان: اکنون، الان، اینک، حالا
		۲۲		۲. مرکب
			۱	۱- نزدیک: همین، چنین، این چنین، این طور، این جا / اینجا همین قدر، همین جا
			۲	۲- دور: همان، چنان آن چنان، آن طور، آن جا / آنجا همان قدر، همان جا
				۲ (۲-۱) با نقش:

		۶	(ا) هسته یا اشاری: این طور، چنین، همین
		۷	(ب) قید مکان: اینجا / این جا، آن جا
		۸	(پ) قید زمان: آن گاه، آن وقت
		۹	(ت) متمم فعل (مانند: بودن، شدن، کردن، گفتن): این چنین، این طور، چنین
	۳		پ. مقایسه‌یی
	۳۱		۱. تشابه مثل، همانند، همچون / همچو
	۳۲		۲. تضاد دیگر، گونه‌یی دیگر
	۳۳		۳. کمی بیش تر، کم تر، دیگر، اخیر، اعداد ترتیبی (اول، دوم، ...)
	۳۴		۴. کیفی صفت‌های تفضیلی و عالی؛ (بهتر، بهترین، ...)
		۶	پ (۱-۴) با نقش: (ا) اشاری: همچو، دیگر
		۷	(ب) عددی: بیش تر، آخر
		۸	(پ) توصیفی: بهتر، بدتر
		۹	(ت) ادات: طوری دیگر

توضیح:

۱. واحدهای سبک محاوره‌یی درون () و واحدهای سبک رسمی درون [] .
 ۲. ناهماهنگی کدبندی مفرد و جمع در جهت یکدستی با موارد دیگر است.
 ۳. نشانه‌ی نقش اشاری، پیوستن به عنصر آغازین گروه اسمی از طریق اضافه است.
 ۴. در فارسی امروز، ضمیر مشترک خود (و صورت‌های دیگر آن: خویش و خویشتمن) اغلب همراه ضمیر پیوسته‌ی شخصی به کار می‌رود (به صورت: خودش) و به صورت خود تمام نقش‌های ضمیر شخصی جدا (به جز نقش نهاد و مضاف‌الیه نهاد و مسند) را بر عهده می‌گیرد. در اغلب موارد، به جای ضمیر مشترک می‌توان ضمیر شخصی به کار برد. (صادقی و ارژنگ، ۱۳۶۴: صص ۴۷-۴۸) در این بررسی خود برابرش در نظر گرفته شده است.
 ۵. نقش انسجامی آنها / آن‌ها و آنان در فارسی بیشتر به عنوان ضمیر است تا اشاره‌یی. آن نیز اغلب نقش هسته دارد.
 ۶. هرگاه صفت اشاره عهده‌دار نقش اسم شود، فقط جمله‌ی ربطی می‌تواند وابسته‌ی آن اسم اشاره شود.
- مثال:
- | | | |
|-----------|-----------------------------|-----------|
| | که گفتی او می‌آید، | این |
| درست بود. | جمله‌ی ربطی (وابسته‌ی اسمی) | اسم اشاره |
- (صادقی و ارژنگ، ۱۳۶۴)
۷. معرفه بودن در بررسی انسجامی صرفاً مبتنی بر وقوع قبلی واحد زبانی در متن است.

کد	جهت و فاصله‌ی انسجام
۰	بی فاصله
	با فاصله:
و:	۱- واسطه: تعداد جمله‌های حاوی پیش‌انگارنده
غ:	۲- غیر واسطه: تعداد جمله‌های بدون واحد پیش‌انگارنده
و: غ:	۳- هر دو: واسطه و غیر واسطه
پیش‌رو	پیش‌رو (پس مرجع)
-	پس‌رو (پیش مرجع)

توضیح:

همه‌ی وصل‌ها پیش‌مرجع شمرده می‌شوند به‌جز آنهایی که با نشانه‌ی «پیش‌رو»، پس‌مرجع بودنشان مشخص شود.

بی‌نوشت‌ها

۱. در پژوهش حاضر که رابطه‌ی دوسویه با ادبیات و زبان‌شناسی دارد، فقط برای مفاهیم خاص توضیح داده شده و شناخت مفاهیم عام زبان‌شناختی به عهده‌ی علاقه‌مندان گذاشته شده است. یادآوری می‌شود که درباره‌ی عوامل انسجام فارسی رساله‌های دانشجویی چندی وجود دارد که اغلب فقط یکی از عوامل آن را به‌نحوی نارسا بررسی کرده‌اند و فقط در یک مورد (اسماعیل نورمحمدی، ۱۹۸۸). کاری به‌نسبت جامع صورت گرفته است که آن نیز به زبان فارسی نیست.

۲. در ساختمان سه لایه‌ی زبان، نظام واژی - دستوری مربوط می‌شود به واژه‌آرایی (wording) و معنا در آن تحقق می‌یابد.

۳. نظام‌های بسته (closed system) به طبقه‌های بسته اطلاق می‌شود که اجزای آن ثابت یا محدود هستند و عنصر جدیدی بدان راه نمی‌یابد، مانند: ضمائر، حروف اضافه و ربط و تعریف،... (دیوید کریستال ۱۹۹۳: ص ۵۸).

۴. منظور، اسم در حالت مطلق (absolute state) است، بدون هرگونه پسوند یا وابسته‌ی اسمی.

کتابنامه

- باطنی، محمدرضا. ۱۳۵۴. زبان و تفکر. تهران: کتاب زمان.
- برلین، آیزایا. ۱۳۶۱. متفکران روس. ترجمه‌ی نجف دریابندری. تهران: خوارزمی.
- سرواتس ساودرا، میگل دو. ۱۳۵۵ (۲۵۳۵). دن کیشوت. ترجمه‌ی محمد قاضی. تهران: نیل.
- صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارزنگ. ۱۳۶۳. دستور سال دوم آموزش متوسطه (رشته فرهنگ و ادب). تهران: سازمان کتاب‌های درسی ایران.
- _____. ۱۳۶۴. دستور سال چهارم آموزش متوسطه (رشته فرهنگ و ادب). تهران: سازمان کتاب‌های درسی ایران.
- طالوف، عبدالرحیم بن ابوطالب. ۱۳۱۹/۱۲۹۸ ه.ق. کتاب احمد یا سفینه طالبی. تهران: گام (اسلامبول: مطبعه‌ی خورشید).
- فروغی، محمدعلی. ۱۳۱۰. سیر حکمت در اروپا. تهران: زوار.
- مراغه‌ای، حاج زین العابدین. ۱۲۹۰ / ۱۳۲۷ ه.ق. سیاحتنامه ابراهیم بیگ یا بلای تعصب او. قاهره.
- ملکم خان، ناظم الدوله (میرزا). ۱۳۲۵. کلیات ملکم؛ رساله اصول تمدن. تهران: مجلس.
- موریه، جیمز. ۱۳۲۳. حاجی بابا اصفهانی. ترجمه‌ی میرزا اسدالله خان شوکت الوزراء. بمبئی.
- _____. ۱۳۵۱. سرگذشت حاجی بابای اصفهانی. ترجمه‌ی میرزا حبیب اصفهانی. ویرایش یوسف رحیم‌لو. تبریز: شرق.

- Brown, Gillian and G. Yule. 1983. *Discourse Analysis*. Cambridge: C.U.P.
- Crystal, David (ed.). 1993. *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 3rd pub. Cambridge: Black Well.
- Halliday, M.A.K. and Ruqaiya Hasan. 1976. *Cohesion in English*. London: Longman.
- Nourmohammadi, Esmacel. 1988. *A Contrastive Analysis of Cohesion in English and Persian*. (M.A. Thesis in General Linguistics). Shiraz: Sh. U.
- Widdowson, H.G. . 1978. *Teaching Language as Communication*. Oxford: O.U.P.



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ